

فارسی تکمیلی پایه نهم

درس هفتم: پرتو امید صفحه ۷۰

جستنی صفحه ۷۰

* چون تو را نوح است کشتیبان غم مخور — چون کشتیبانِ تو نوح است غم مخور. (فارسی وزارتت صفحه ۵۵) «رای گسست اضافه» کار همان نقش نمای اضافه را بین مضاف و مضاف الیه انجام می دهد.

* هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور — هیچ راهی وجود ندارد که آن راه پایان نداشته باشد؛ پس غم مخور. (فارسی وزارتت صفحه ۵۵) در فارسی کهن «را» پیش از فعل اسنادی «بود» و «است» معنی فعل اسنادی را به «داشت» و «دارد» تبدیل می کند.

اندیشیدنی صفحه ۷۰، ۷۱ و ۷۲

۱. «حافظ» و «حافظه» جناس ناقص افزایشی-کاهشی دارند.

حافظ، گنجینه و ذخیره ادبی ملت ایران است. او الگوی خوبی برای سبک زندگی انتقادی به شمار می آید. حافظ با حکمت و تفکر و با زبان طنزآمیز و ظریف، به مبارزه‌ی با ریاکاری و تباهی می رود.

۲. «دنيا هزار رو دارد» یادآور این مصراع است: «دائماً یکسان نباشد حال دوران، غم مخور»

۳. آری، در بیابان خشک و بی آب و علف، پس از سفری طولانی و خسته کننده، ساعتی در زیر سایه خار مغیلان خوابیدن، خوش است؛ اما باید قید جان شیرین را زد و از زندگی گذشت.

۴. آگاه باش و نا امید مباش؛ چون از اسرار پنهان الهی خبر نداری. قطعاً خداوند در پس پرده تقدیر، سرنوشتی خوب و نیکو برای تو مقدر کرده است.

۵. در بیابان عشق و زندگی، سرچشمه‌ی حیات حقیقی، بسیار دور است. به هوش باش تا هوای نفسانی همچون غول و سراب بیابانی تو را فریب ندهد و گمراه نکند.

۶. «سرزنش» علاوه بر معنی «ملامت و نکوهش» در شعر «پرتو امید» به معنی رنج و سختی و آزاری است که از خار مغیلان به پای مسافران بیابان می رسد.

۷. «قدم زدن» در زبان فارسی امروزی کنایه از «آهسته راه رفتن، نه به منظور انجام کاری و رفتن به سوی مقصدی است؛ بلکه به منظور گشت و گذار است» اما در شعر پرتو امید از حافظ، «قدم زدن» به معنی «گام برداشتن برای رسیدن به مقصد و هدفی مشخص» است.

۸. پاسخ این پرسش به دلخواه دانش آموز است؛ اما پاسخ پیشنهادی «امیدواری» است.

۹. * بیت «باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش / بر جفای خار هجران، صبر بلبل بایدش» با این

بیت، نزدیکی مفهومی دارد: «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش ها گر کند خار

مغیلان غم مخور»

* بیت «چنین است رسم سرای جهان / همی راز خویش از تو دارد نهان» با این بیت، نزدیکی

مفهومی دارد: «هان مشو نومید! چون واقف نه‌ای از سرّ غیب / باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم

مخور»

* بیت «نسازد، تو ناچار با او بساز / که روزی نشیب است و روزی فراز» با این بیت، نزدیکی

مفهومی دارد: «دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائماً یکسان نباشد حال دوران غم

مخور»

* بیت «گر مرد رهی، غم مخور از دوری و دیری / دانی که رسیدن، هنر گام زمان است» با این

بیت، نزدیکی مفهومی دارد: «گر چه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید / هیچ راهی نیست،

کان را نیست پایان، غم مخور»

۱۰. عبید زاکانی و حافظ در این دو بیت از نمادهای مشترکی مانند «کعبه» و «خار مغیلان» بهره گرفته‌اند.

به نظر عبید زاکانی تنها رهروان حقیقی و ثابت قدم یعنی آنان که سرزنش‌های خار مغیلان را به

جان می‌خرند و تحمل می‌کنند؛ به هدف و مقصد آفرینش می‌رسند و مابقی از رسیدن به هدف باز

می‌مانند.

دانستنی صفحه ۷۳

در ابتدا شیوه‌ی ساخت **بن ماضی** و **بن مضارع** را از **مصدر** به یاد بیاورید.

آوردن ← آورد ← آور

گفتن ← گفت ← گو

اکنون لازم است؛ بیان کرد که در زبان فارسی، مصدرها به دو نوع تقسیم می‌شوند:

مصدر منظم: به مصدرهایی منظم گفته می‌شود که **میان بن ماضی و بن مضارع آنها، نظم و قاعده‌ای برقرار است.**

مصدر نامنظم: به مصدرهایی گفته می‌شود که **میان بن ماضی و بن مضارع آنها، نظم و قاعده‌ای**

برقرار نیست.

مصدر منظم	بن مضارع	بن ماضی
خوردن	خُور	خُورد
کشتن	کُش	کُشت
افتادن	أفت	أفتاد
پریدن	پَر	پرید
زیستن	زى	زیست

در **مصدرهای منظم**، با افزایش یک یا دو واج بر بن مضارع، بن ماضی به دست می‌آید. بدین ترتیب بن مضارع را باید ریشه‌ی بن ماضی و - به واسطه‌ی بن ماضی - ریشه‌ی مصدر به شمار آورد. با کمی دقت می‌توان دریافت که در بین بن مضارع و بن ماضی از مصدرهای منظم، الگوی زیر دیده می‌شود:

بن مضارع + **د / ت / اد / ید / ست** = **بن ماضی** + **ن** = **مصدر منظم**

اما با کمی دقت در جدول زیر می‌توان دریافت که در بین بن مضارع و بن ماضی از **مصدرهای نامنظم**، هیچ الگویی دیده نمی‌شود.

مصدر نامنظم	بن مضارع	بن ماضی
بستن	بَند	بَست
نشستن	نِشین	نِشست
پختن	پَز	پُخت
شنیدن	شِنو	شَنید
دیدن	بِین	دِید

گاهی می‌توان با ایجاد تغییراتی در مصدر نامنظم، مصدر منظم به دست آورد. به مثال زیر توجه کنید:

گشتن (مصدر نامنظم) ← گردیدن (مصدر منظم) ← گرد (بن مضارع) ← گردید (بن ماضی)
 جستن (مصدر نامنظم) ← جهیدن (مصدر منظم) ← جه (بن مضارع) ← جهید (بن ماضی)

جستنی صفحه ۷۷

مصدر منظم	بن مضارع	بن ماضی	مصدر نامنظم	بن مضارع	بن ماضی
آوردن	آور	آورد	بستن	بند	بست
ماندن	مان	ماند	یافتن	یاب	یافت
کندن	کن	کند	گداختن	گداز	گداخت
افکندن	افکن	افکند	آویختن	آویز	آویخت
راندن	ران	راند	ربودن	رُبای	ربود
ایستادن	ایست	ایستاد	مردن	میر	مُرد
نهادن	نه	نهاد	پنداشتن	پندار	پنداشت
بریدن	بُر	بُرید	پیوستن	پوی	پیوست
پسندیدن	پسند	پسندید	گذشتن	گذر	گذشت
خندیدن	خند	خندید	آزمودن	آزمای	آزمود
شکافتن	شکاف	شکافت	فرسودن	فَرسای	فرسود
بافتن	باف	بافت			
گریستن	گری	گریست			
پیراستن	پیرا	پیراست			
دانستن	دان	دانست			
آراستن	آرا	آراست			

نوشتنی صفحه ۷۷

۱. بُردن ← بَر ← بُرد «بُردن» را نمی‌توان مصدر منظم به حساب آورد؛ زیرا که بن مضارع آن مصوت

«أ» و بن ماضی آن مصوت «أ» دارد.

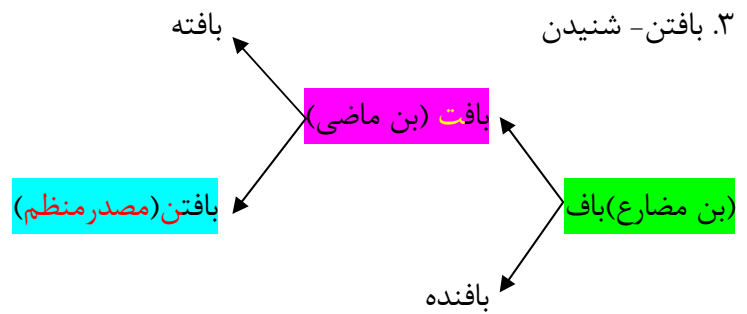
۲.

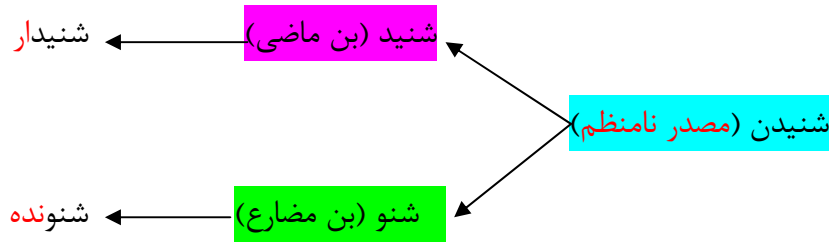
بن ماضی	بن مضارع	مصدر	
رست	رَه	رستن	نامنظم
رهید	رَه	رهیدن	منظم

بن ماضی	بن مضارع	مصدر	
رُست	روی	رُستن	نامنظم
روید	روی	رویدن	منظم

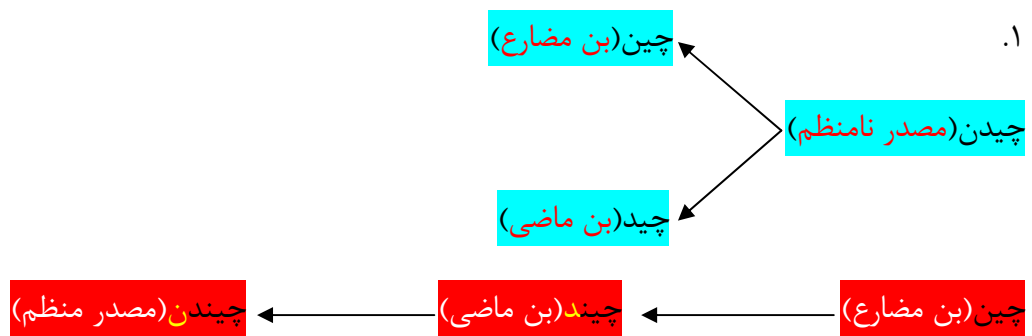
بن ماضی	بن مضارع	مصدر	
کوفت	کوب	کوفتن	نامنظم
کوبید	کوب	کوبیدن	منظم

بن ماضی	بن مضارع	مصدر	
رِشت	ریس	رِشتن	نامنظم
ریسید	ریس	ریسیدن	منظم





اندیشیدنی صفحه ۷۸



برخی از فارسی‌زبانان از مصدر منظم (چیندن) و برخی از مصدر نامنظم (چیدن) استفاده می‌کنند.

۲. با توجه به مصدر منظم و نامنظم از فعل «سوخت» درمی‌یابیم که آموزش زبان به کودکان با کمک مصدر منظم بهتر و راحت‌تر است.

